

واکاوی تأثیر متقابل نظام اداری و ساختار قدرت در دوره امویان و مقایسه آن با عصر اول عباسی

^{*}محبوبه فرخندهزاده

^{**}لیلا نجفیان رضوی

چکیده

نهاد اداری به عنوان یکی از ملزومات تداوم ساختار سیاسی حکومت، در تثبیت اقتدار خلافت اموی و عباسی (عصر اول) نقش داشته است. با توجه به تکوین نظام اداری در دوره اموی و استمرار قدرت بنی‌امیه تا حدود یک قرن و نیز تکامل این نظام در دوره عباسی، پژوهش حاضر به واکاوی نقش، تأثیر و رابطه متقابل دیوان‌سالاری و اقتدار سیاسی در استمرار قدرت خلافت اموی و عباسی می‌پردازد. یافته‌های این پژوهش که به شیوه توصیفی - تحلیلی و با استفاده از مفهوم اقتدار سنتی و بر انجام شده است، نشان می‌دهد که حکومت اموی با الگوبرداری از نظام اداری امپراتوری‌های ساسانی و بیزانس، مشخصات پاتریمونیالیسم یافت، اما مشکلات داخلی، اختلاف‌های مذهبی و نابرابری اجتماعی از موانع عمدۀ ارتقای دیوان‌سالاری در این دوره بود. درحالی‌که حکومت عباسی با اقتدار خلیفه، تقسیم وظایف، گسترش دولوین، تمرکز نظام اداری و کنترل دیوان‌سالاران توسعه یافت؛ شیوه حکومتی‌ای که وبر آن را نظام پاتریمونیال - بوروکراتیک نامیده است.

واژگان کلیدی

دیوان‌سالاری، ساختار سیاسی، خلافت اموی، خلافت عباسی، اقتدار سنتی.

farkhondehzadeh@um.ir

*. استادیار گروه معارف دانشگاه فردوسی مشهد.

najafian@ferdowsi.um.ac.ir

**. استادیار دانشگاه فردوسی مشهد.

تاریخ پذیرش: ۹۵/۴/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۵

طرح مسئله

با آغاز فتوح، افزایش چشمگیر درآمدهای حکومت مرکزی، لزوم وجود مقرراتی برای ثبت و ضبط درآمدها و موارد استفاده از منابع مالی؛ نه تنها نخستین دیوان در سال‌های پایانی دهه دوم تأسیس حکومت اسلامی در مرکز خلافت مسلمانان ایجاد شد، بلکه به دستور عمر بن خطاب، از اسیران^۱ و نیز شیوه‌های ملل مغلوب^۲ در اداره بهتر سرزمین‌های مفتوحه و انجام امور اداری هر منطقه بهره گرفته شد. کمی بعد و در دوران قدرت‌یابی امویان، متناسب با گسترش قلمرو اسلامی و احساس نیاز حکومت مرکزی به ایجاد نظم و نیز کنترل بخش‌های مختلف ممالک مفتوحه، دیوان‌سالاری گسترش یافت.^۳ خلفای اموی با تقلید از سنت‌های بیزانسی و الهام از امور دیوانی ساسانیان و نیز بهره‌گیری از نخبگان^۴ این امور در سرزمین‌های فتح شده، پایه‌های قدرت خود را استحکام پختند، امری که در دوران خلافت عباسیان نیز ادامه یافت.

علاوه بر آنچه از خلال مطالعه گزارش‌های تاریخی حاصل می‌شود، جامعه شناسان و پژوهشگران علوم اجتماعی نیز به تأثیر متقابل بوروکراسی و دوام و استمرار قدرت حکومت‌ها اشاره نموده‌اند و گاه با تجزیه و تحلیل ساختارهای قدرت، به توصیف ساختارهای بوروکراتیک پرداخته‌اند. به عنوان نمونه ویر بر این نکته تاکید دارد که اعمال سیاست بر افراد مستلزم کنترل به وسیله سازمان

۱. طبری ذیل حوادث سال ۱۷ هجری آورده است: «عمر به عاملان مرزها در کوفه نوشت از اسیران کمک بگیرند و در صورت همراهی، جزیه از ایشان برداشته شود». (طبری، تاریخ الرسل و الملوك، ج ۴، ص ۴۹)

۲. یعقوبی، التاریخ، ج ۲، ص ۱۵۳؛ بلاذری، فتوح البلدان و أحکامها، ص ۴۹۳؛ جهشیاری، وزراء و الكتاب، ص ۱۶؛ مادردی، احکام السلطانیه، ص ۲۴۹.

۳. در دوره امویان دیوان‌هایی چون دیوان بربد، جند، خاتم، خراج، رسائل، طراز، صدقات، مستغلات و نفقات تأسیس شدند. (بنگرید به: عمری، التعريف بالصطلاح الشريف، ص ۲۳۹؛ ابن طقطقی، الفخری فی آداب السلطانیه، ص ۱۰۶؛ مادردی، احکام السلطانیه، ص ۲۵۲؛ یعقوبی، التاریخ، ج ۲، ص ۲۳۴؛ بلاذری، فتوح البلدان و أحکامها، ص ۵۰۸؛ جهشیاری، وزراء و الكتاب، ص ۳۰، ۴۷ و ۴۹).

۴. در منابع آمده است که در ولایت فارس خاندان‌های اداری و ادبی، بعد از صلح با اعراب، اداره دواوین را تا سده سوم هجری بر عهده داشتند. (اصطخری، مسالک الممالک، ص ۱۴۵ و ۱۴۸ – ۱۴۷؛ ابن حوقل، مسالک الممالک، ص ۲۹۴ – ۲۹۳) دنت نیز این نکته را خاطر نشان کرده است که در ناحیه سواد عراق عمالي که از طرف اعراب به جمع آوری مالیات می‌پرداختند، همان بقایای اشرف و طبقه دهاقین بودند. این عده کمک بزرگی به تشکیل دیوان‌ها کردند و جدا از امر جمع آوری عواید، در تنظیم مخارج و مواجب سپاهیان نیز نقش مهمی داشتند. (دنت، مالیات سرانه و تأثیر آن در گرایش به اسلام، ص ۴۵) طبری نیز نقل کرده قبیله بنی تمیم به والی اموی خود درخصوص دریافت مالیات توسط دهقانان ایرانی اعتراض داشتند. (بنگرید به: طبری، تاریخ الرسل و الملوك،

ج ۶ ص ۳۱۶)

اداری است. از نظر وبر نظام اداری بر ساختار قدرت تأثیر بسزایی دارد و از طرفی بوروکراسی بایستی تابع یک کنترل سیاسی نیرومند باشد. او معتقد است که وجود رهبری قدرتمند ضروری است تا از خودمختاری بوروکراسی جلوگیری کرده و اجازه ندهد تا نظام اداری با منافع اقتصادی درگیر شود.^۱ این موضع گیری ماکس وبر از آن جهت است که او دیوانسالاری را نوعی ابزار اعمال قدرت و اداره حکومت می‌داند که می‌تواند در اختیار تأمین منافع گوناگون قرار گیرد.^۲ با وجود وحدت نظر درخصوص رابطه نظام اداری با ساختار قدرت و نقش امویان در گسترش دیوانسالاری در تمدن اسلامی، از خلال گزارش‌های انبوء موجود درخصوص دوران خلافت این پیش‌گامان در ایجاد و بهره‌گیری از بوروکراسی، می‌توان گفت که سازمان اداری موجود در دوره حکومت امویان در استمرار قدرت این خاندان تأثیر چشمگیری نداشته است. بنابراین می‌توان پرسید که تأثیر نظام اداری و تشکیلات دیوانی در ساختار سیاسی و ارتباط متقابل آن با ساختار قدرت در دوره امویان چگونه بوده است و چه تفاوت‌هایی را می‌توان درخصوص این تأثیر در دوره اموی در مقایسه با عصر اول عباسی برشمرد؟ با وجود آنکه ابعاد مختلف تمدنی خلافت امویان و بنی عباس همچون تمدن اسلامی در عصر امویان،^۳ حضاره العرب فی العصر الاموی،^۴ بررسی وضع مالی و مالیه مسلمین از آغاز تا پایان دوره امویان^۵ و تمدن اسلامی در عصر عباسیان^۶ مورد بررسی پژوهشگران قرار گرفته است، با این حال تاکنون پژوهش مستقلی بر روی مسئله طرح شده در این مقاله صورت نگرفته و هیچ‌گونه کار مشابهی در این زمینه انجام نشده است.

از آنجایی که دیوانسالاری رابطه مهمی با نهاد سیاسی و ساختار قدرت داشته و حکومت نقش مهمی در گسترش تشکیلات اداری دارد؛ بنابراین پژوهش حاضر بر آن است تا به تحلیل و واکاوی توسعه و تأثیر متقابل دیوانسالاری (بوروکراسی) و ساختار سیاسی در اقتدار حکومت‌های اموی و عباسی با رویکردی جامعه‌شنختی بپردازد. از آنجایی که نظریه بوروکراسی ماکس وبر به عنوان مفهوم ناظر بر تحلیل ساختارهای سیاسی جوامع سنتی، به عنوان نظریه‌ای استاندارد در نظریه دیوانسالاری است؛ در این مطالعه مینا قرار گرفته شده است که در ادامه به اختصار به آن پرداخته می‌شود.

۱. وبر، اقتصاد و جامعه، ص ۲۶۰ - ۲۶۴؛ ترنر، وبر و اسلام، ص ۲۲۳ به بعد.

۲. اشرف، جامعه‌شناسی ماکس وبر، ص ۸۹.

۳. سپهری، تمدن اسلامی در عصر امویان.

۴. الحاج حسن، حضاره العرب فی العصر الاموی.

۵. اجتهادی، بررسی وضع مالی و مالیه مسلمین از آغاز تا پایان دوره امویان.

ع مکی، تمدن اسلامی در عصر عباسیان.

روش‌شناسی ماکس وبر

جامعه‌شناسی سیاسی وبر مبتنی بر مشروعيت و سیادت است. مشروعيت، پذیرش قدرت حاکم از سوی افراد جامعه و سیادت به معنای اعمال قدرت است.^۱ از دیدگاه وبر دعاوی مشروعيت (اقتدار) بر سه نوع کلی اند: قانونی - عقلانی، عقلانی (بوروکراتیک)،^۲ کاریزماتیک^۳ (فرهمند) و سنتی.^۴ به نظر وی اگر سیادت مبتنی بر باورها و روابط و ارزش‌های سنتی باشد، سیادتی سنتی است. در میان انواع سه‌گانه حاکمیت (سلطه) در اندیشه وبر، سلطه (اقتدار) سنتی از مهم‌ترین آنهاست. ریشه این حاکمیت در ریاست سرکرده خاندان بر اعضای آن قرار دارد که همان نظام پدرسالاری است. در سلطه سنتی منشأ اقتدار، عادات و سنت است و تعیین رهبر نیز براساس سنت می‌باشد. در این نوع از سلطه، اعتقاد به قواعد قراردادی^۵ یا اعتبار موقعیت و مقامی که به پشتوانه سنت ایجاد شده است، سبب می‌شود که پیروان از رهبر پیروی کنند.^۶ اقتدار سنتی در اصل متشکل از نظام‌های سالمندسالاری،^۷ پدرسالاری (پاتریارکال)،^۸ پاتریمونیال^۹ است.

نظام پدرسالاری منشأ و شکل اولیه نظام پاتریمونیال و فئودالیسم هم نظام سیاسی شکل گرفته از تقسیم و تجزیه نظام پاتریمونیال است. نخستین ملاک برای نمونه‌شناسی نظام‌های متفاوت سنتی، وجود یا عدم سازمان اداری است. بدین ترتیب نظام‌های سالمندسالاری و پدرسالاری دو نمونه از نظام‌های سنتی اند که فاقد سازمان اداری بوده و نظام‌های «پاتریمونیالیزم» و «فئودالیزم»^{۱۰} که در تاریخ سازمان‌های سیاسی اهمیت بسیار داشتند، دارای سازمان اداری بوده‌اند.^{۱۱} در این بین نظام پاتریمونیالیسم گسترده‌ترین و پیچیده‌ترین نوع سلطه سنتی است که اساس و مبنای حاکمیت آن می‌باشد. پاتریمونیال یا سلطه موروشی صورتی از حاکمیت سیاسی سنتی است که قدرت از طریق دستگاه دیوانی اعمال می‌شود. ترنر از شارحان آثار وبر، در شرح فرایند تبدیل نظام پدرسالاری به پاتریمونیالیزم چنین می‌نویسد:

۱. وبر، اقتصاد و جامعه، ص ۱۴.

- 2. Bureaucratic.
- 3. Charisma.
- 4. Traditional.
- 5. Stipulated.

۲. وبر، اقتصاد و جامعه، ص ۳۶۴؛ بنديکس، سیمای فکری ماکس وبر، ص ۳۲۱.

- 7. Gerontocracy.
- 8. Patriarchal.
- 9. Patrimonial.

۳. اشرف، جامعه‌شناسی ماکس وبر، ص ۸۰ - ۸۱؛ بنديکس، سیمای فکری ماکس وبر، ص ۳۶۸.

پدرشاهی، که شکل سنتی و ابتدایی‌تری نسبت به پاتریمونیالیزم دارد، مبین سلطه یک ارباب یا خان بر عشیره خود است. ستاد اداری چنین ساخت قدرتی مستقیماً از خانواده گسترده رئیس طایفه گمارده می‌شوند، اما به هنگام گسترش نقش‌ها و وظایف دیوانی، اعضاًی دودمان حاکم برای اداره امور به تنها‌یی کفایت نمی‌کنند، لذا حاکم پاتریمونیال ناچار به گماردن خیل عظیمی از بردگان به درون دستگاه دیوانی خود می‌شود که مناصب نظامی و اداری را اشغال می‌کنند؛ از اینجاست که پدرشاهی به سلطه موروژی بدل می‌شود.^۱

نظام سیاسی پاتریمونیالیسم به لحاظ ساختاری خود دارای انواع و گرایش‌هایی است که ویر آن را در عرصه تاریخی و مطابق با واقعیات تاریخی مورد مطالعه قرار داده است. نظام سیاسی پاتریمونیال - بوروکراتیک، متشکل از دو مفهوم متصاد پاتریمونیال به عنوان نظام سنتی شخصی و بوروکراتیک به عنوان نظام عقلانی غیرشخصی می‌باشد.^۲ این نوع نظام‌ها ابتدا در ساختار شخصی و ابتدایی نظام پدرسالاری ریشه داشته‌اند، اما به تدریج با گسترش قلمرو و پیچیده شدن تشکیلات اداری و سیاسی، مشخصات بوروکراتیک گرفته به گونه‌ای که با تشکیلات بوروکراتیک مدرن شباهت می‌یابند، اما با آن نظام‌ها تفاوت ماهوی دارند. نظام پاتریمونیال - بوروکراتیک پیش از نظام بوروکراتیک مدرن، پیشرفته‌ترین نظام‌های سیاسی - اداری بوده، اما خودکامگی، استبداد، خاندانی بودن یک نظام سیاسی و سنتی بودن ساختارها و سیاست‌های اعمال شده آن، به عنوان مبانی نظام پاتریمونیال است.^۳

حکومت امویان

تشکیل خلافت اموی نقطه آغاز شکل‌گیری نظام سیاسی مبتنی بر پاتریمونیالیسم بود که مشروعیت قدرت خود را از قدرت حاکم (خلیفه) گرفت. به این ترتیب پاتریارکالیزم قبیله‌ای عرب به نظام پاتریمونیالیسم عربی تبدیل شد. انگیزه‌های اقتصادی و سیاسی اعراب و خاصه خلفای اموی عامل اصلی گسترش حدود قلمرو اسلامی در دوران قدرت این خاندان بود. این فتوح در کوتاه مدت، غنایم و موقعیت‌های اقتصادی فراوانی را برای حکومت مرکزی به ارمغان آورد.

۱. ترنر، ویر و اسلام، ص ۱۵۸.

۲. همان، ص ۱۵۶.

۳. در مبحث نظام اداری و تشکیلات دیوانسالاری عباسیان که در ادامه خواهد آمد، بسط این بخش از نظریه ویر آمده است. همان‌طور که در ادامه به فراخور نیاز به بخش‌های دیگری از این نظریه اشاره شده است.

گسترش قلمرو و دل مشغولی خلفای اموی برای توجیه مشروعیت اقتدار، آنها را ملزم کرد تا به منظور اعمال سیاست و اداره هرچه بهتر حکومت، تشکیلات حکومتی را ارتقا دهد؛ زیرا همان گونه که وبر اشاره می‌کند، معمولاً^۱ اعمال سیاست بر افراد مستلزم کنترل به وسیله یک سازمان اداری است؛ یعنی وجود گروه قابل اعتماد معینی از اشخاص که بیشتر به انجام سلطه و فرمان‌های مشخص حاکم معطوف باشد.^۱

عوامل توسعه، تکامل و تداوم سازمان اداری

۱. نظام سیاسی

تکوین و گسترش دیوانسالاری با پیدایش و توسعه حکومت ارتباطی تنگاتنگ دارد و بدون دگرگونی ساختار سنتی جامعه، توسعه دیوانسالاری امکان‌پذیر نیست. تشکیل حکومت قدرمند، به عنوان نخستین گام از عوامل تأثیرگذار بر کارکرد سازمان اداری است، اما نظام اداری برای استمرار و گسترش نیاز به پیش‌شرط‌های دیگر دارد. در تحلیل و توضیح فرایند بوروکراسی، وبر نیز نخستین شرط اساسی بوروکراتیزه شدن را گسترش کمی وظایف اداری دانسته که در حیطه سیاست، وجود حکومت قوی زمینه بوروکراتیزه شدن را فراهم می‌کند.

خلفای اموی با تکیه بر کرسی سلطنت، ساختار مدیریت جامعه پدرسالار عرب را به نظام سلطنت تبدیل کردند و این نخستین گام شکل‌گیری بوروکراسی اموی بود. تحلیل و بررسی دلایل تاریخی - اداری و نظری که زمینه ساز بوروکراتیزه شدن سازمان اداری حکومت اموی را فراهم کرده بود، حاکی از آن است که پیش‌شرط‌ها و متغیرهایی که برای تکامل و گسترش نظام اداری ضروری بود، در نظام سیاسی امویان با محدودیت همراه بوده است.

قلمرو پهناور خلافت اموی، تشکیلات بزرگ، منسجم، منظم و مقتدری را می‌طلبید که امور سیاسی، اقتصادی و مالی را اداره نماید. سرعت گیری تشکیل دواوین در دوره اموی متناسب با این نیاز بود، اما در همین دوران درگیری مردم غیرعرب با حکام محلی عرب نژاد، شورش‌های پی در پی آنها و بیرون کردن والیان مسلمان از نواحی متصرفة به مانعی جدی در راه تحقق این هدف امیران اموی و حکومت‌گران شامی تبدیل شده بود. چنان‌که با توجه به گزارش‌های تاریخی، مناطقی چون مأواه‌النهر و شمال آفریقا چندین بار فتح شد.^۲

وضعیت متزلزل والیان عرب در این مناطق و عدم ثبات وضعیت این نواحی سبب گردید

۱. وبر، اقتصاد و جامعه، ص ۳۰۲.

۲. برای آگاهی رجوع شود: طبری، تاریخ الرسل و الملوك، ج ۵، وقایع سال ۶۴ق؛ همان، ج ۶، وقایع سال ۸۰ به بعد.

که امرای اموی مجال و فرصتی برای ایجاد ساختار اداری و دیوانسالاری منظم و قدرمند نداشته باشند. البته درگیری‌های داخلی سردمداران حاکمیت در دمشق و کشمکش‌های قبایل عرب در حوزه حکومت با یکدیگر - که ضعف قدرت خلفای اموی را به دنبال داشت - نیز مزید علت بود.

۲. عوامل فرهنگی - تمدنی

در روند آغازین حکومت سیاسی پاتریمونیال، حاکم با کمک خاندان خود و مشارکت متنفذین و صاحبان قدرت از حکومت‌های محلی، زمینه را برای شکل‌گیری سازمان اداری - سیاسی پاتریمونیال به وجود می‌آورد تا بتواند وظایف و مسئولیت‌های آن را اداره کند. در نظام اداری شکل گرفته به سبب ضرورت و نیازهای جدید نظام اداری حکومت پاتریمونیال و تداوم و پیچیدگی فراینده امور اداری، مشاغل جدید به وجود می‌آید: حوزه اداری مربوط به دبیری، منشی‌گری و سلسله مراتب آن به شکلی که خاندان سنتی بدون وجود آنها از ثبات و قدرت لازم برخوردار نیست.^۱

علاوه بر آن از نکات مهمی که ویر در نظام بوروکراسی به آن اشاره می‌کند، استمرار و تداوم دیوانسالاری (بوروکراسی) است که حتی با وجود تغییر نظام‌های سیاسی، وقوع انقلاب و دگرگونی‌های مهم در جامعه تداوم می‌یابد. بررسی سیر تاریخی دیوانسالاری جوامع شرقی و اسلامی نیز مؤید این مدعاست.^۲

اعراب پس از تسلط بر قلمرو امپراتوری‌های ساسانی و بیزانس از دستگاه اداری‌شان تقليد کردند و اداره حکومت خود را به سبک حکومت‌های ساسانی و بیزانس درآوردن. این شیوه کم و بیش در دوره‌های مختلف تداوم یافت و تشکیلات اداری بسته به نیرومندی یا ضعف نظام سیاسی و اقتصاد جامعه، گسترده و یا محدودتر شد. اعراب به خوبی برتری عناصر غیرعرب در نویسنده‌گی را دریافته بودند و به همین دلیل دیوان در هر منطقه توسط دبیران و کارکنان محلی همان منطقه اداره می‌شد.^۳ علاوه بر موارد یاد شده به سبب پیوندهای اجتماعی و آگاهی مردم محلی بر زبان مورد

۱. ویر، اقتصاد و جامعه، ص ۴۱۴. در کنار تکامل کمی وظایف اداری، گسترش کیفی و توسعه وظایف سازمان همچنین روند بوروکراتیزه شدن را تشدید می‌کند. ارتضی دائمی، پیچیده‌تر شدن امور تمدنی از جمله نیاز فراینده نظام‌های سیاسی به سازمان اداری است. ارتباطات و وسائل ارتباطی هم از عوامل گسترش نظام اداری‌اند.

۲. صبوری، جامعه‌شناسی سازمان‌ها، ص ۱۲.

۳. به نوشته جهشیاری: «ابوزرعه روح بن زباع الجذامي از کاتبان عبدالملک اموی بود، خلیفه درباره وی گفته بود که ابوزرعه در امانت، شامی، در بخت، عراقی، در فقه، حجازی و در کتابت، فارسی است». (جهشیاری، وزراء و الکتاب، ص ۳۵، ۴۰ و ۴۹؛ فرای، عصر زرین فرهنگ ایران، ص ۸۷)

استفاده در دیوان‌ها، آنها بیشتر از مسلمانان برای انجام کارهای مختلف اداری توانایی داشتند.^۱

این بدان معناست که با تشکیل و گسترش نظام سیاسی پاتریمونیالیزم اموی و گسترش نقش‌ها و وظایف دیوانی، ضرورت داشتن تخصص و توانایی برای اداره حکومت بیشتر بر جسته شد، اما اعراب با فن نویسنده‌گی، امور اداری - دیوانی، روش مملکت‌داری و تشکیلات نظامی ای که لازمه اداره امپراتوری پهناورشان بود آشنایی نداشتند و از روش‌هایی که اداره چنین حکومتی را می‌طلبید، نیز بی‌بهره بودند.^۲ علاوه بر بیگانگی عرب به امر سیاست و امور تشکیلاتی، دشواری رسیدگی به دیوان‌ها نیز در این امر تأثیر داشت.^۳ به این ترتیب اعضای دودمان حاکم برای اداره امور به‌نهایی کفایت نمی‌کردند و حاکم پاتریمونیال اموی ناچار به گماردن خیل عظیمی از بردگان در دستگاه دیوانی خود بود تا مناصب نظامی و اداری را به آنها واگذار نماید و این همان امری است که ترنر در شرح آرای وبر به آن اشاره می‌نماید.^۴

نکته دیگری که درخور توجه است، آن است که در نظام پاتریمونیالیسم اموی با تأسیس دواوین اداری و افزایش درآمدهای حکومت به تدریج طبقه دبیران کانون توجه واقع شد. با وجود اهمیت و نقش دبیران در اداره امور مملکت، عرب نگاه مثبتی به این پیشه نداشت. در واقع مسلمانان عرب سر و کار داشتن با قلم و مشاغل مرتبط با آن را دون شأن خود دانسته و در نگاه آنها شمشیر جایگاهی برتر از قلم داشت.^۵ با توجه به جایگاه، مقام و سهم دبیران در توسعه و تکامل نظام سیاسی - اداری پاتریمونیال که با گسترش تقسیم کار، ازدیاد مکتوبات و ایجاد سلسه مراتب اداری، خصوصیات دیوانسالارانه به خود می‌گیرد؛^۶ طبقه دبیران در ساختار سیاسی - اجتماعی حکومت اموی محدودیت‌هایی داشتند و فعالیت آنها فراگیر نبود؛ زیرا سیاست عرب‌گرایی و تعصبات نژادی خلفای اموی سبب می‌شد تا علاوه بر آنکه تجارب اداری حکومت‌های مفتوحه را از صافی سنت‌های

۱. سیدیو، *تاریخ العرب العام*، ص ۱۳۱.

۲. جهشیاری، *الوزراء و الكتاب*، ص ۴۰ و ۴۹؛ ابن خلدون، *مقدمة*، ج ۲، ۲۸۶ - ۲۸۹ و ۲۸۵ و ۲۹۱؛ ولهاوزن، *تاریخ الدولة العربية*، ص ۲۷ و ۳۱؛ پطروفسکی، *اسلام در ایران*، ص ۴۵.

۳. اصطخری، *مسالك الممالك*، ص ۱۴۶؛ طبری، *تاریخ الرسل والملوک*، ج ۵، ص ۵۲۵؛ ابن اثیر، *الكامل فی التاریخ*، ج ۴، ص ۱۴۰.

۴. ترنر، *وبر و اسلام*، ص ۱۵۸.

۵. جهشیاری، *الوزراء و الكتاب*، ص ۲۸ و ۸۰؛ ابن خلدون اعتقاد داشت که شمشیر و قلم هر دو مورد نیاز مردان حکومت است، اما شمشیر بر قلم ترجیح دارد و نیاز به آن هم در آغاز حکومت است و هم در زمان ضعف تکیه گاه حکومت. (ابن خلدون، *مقدمة*، ج ۱، ص ۴۹۰).

۶. وبر، *اقتصاد و جامعه*، ص ۴۱۴.

قبيله‌ای گذرانده، فرستی نیز به مردم مناطق مفتوحه داده نشود تا آنها به فراخور توانایی و استعداد خود بتوانند مملکت را اداره نمایند و بدین ترتیب ساختار قدرت بر نظام اداری تأثیری منفی می‌گذارد. و بر کنترل شدید نظام اداری از سوی مراکز قدرت را به عنوان یکی از علل ناکامی در توسعه بوروکراسی دانسته است؛ زیرا رابطه نظام بوروکراسی با نیروهای بیرونی مانند صاحبان قدرت، یکی از متغیرهای مهم در مطالعه دیوانسالاری است و مهم‌تر آنکه سازمان اداری، شاخص و معیار تقسیم‌بندی اقتدار سنتی به پدرسالاری و پاتریمونیالیسم بوده است؛^۱ بنابراین محدودیت نخبگان اداری و فraigیر نبودن فعالیت دیوانی آنها که بازوی تشکیلات نظام پاتریمونیالیسم اموی بودند^۲ نیز از موانع ساختاری تکامل و تداوم نظام دیوانسالاری امویان بهشمار می‌رود.

۳. عوامل اجتماعی

در میان عواملی که تأثیر پایداری در بوروکراتیزه شدن دارد، تأمین نظم و امنیت و رفاه اجتماعی است. تأمین این امور که تا حدی با شرایط اقتصادی ارتباط دارد، در فرایند دیوانسالاری مؤثر است.^۳ بنابراین امنیت و رفاه از جمله پیش‌شرط و متغیرهای بیرونی اند که جریان تکامل و تداوم دیوانسالاری را به پیش می‌برند.

نابرابری و تضاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه عصر اموی را دگرگون کرد. خاندان اموی که از زمان خلافت دومین خلیفه راشدین مقدمات قدرتشان در ناحیه شام فراهم شده بود، با رسیدن به خلافت، سلطه قدرت خود را در تمام جهان اسلام گسترش دادند. بنای حکومت بنی‌امیه بر اصل سیادت و برتری عرب باعث شده بود که حکومت و به دنبال آن وابستگان به نظام حکومتی مردم غیرعرب را بندگان خود دانسته و آنها را از تمام حقوق مدنی و اجتماعی خود محروم نمایند.^۴ گرچه از

۱. اشرف، جامعه‌شناسی ماکس ویر، ص ۸۰ - ۷۹.

۲. جهشیاری، *الوزراء و الكتاب*، ص ۴۰ و ۶۷؛ ابن‌نديم، *اللهست*، ص ۴۴۳؛ بلاذری، *فتح البلدان وأحكامها*، ص ۲۲۸؛ دستورهای حکومتی هشام بن عبدالملک مبنی بر عدم استفاده از اهل ذمّه در امور دیوانی، ضرب سکه‌های اسلامی و تعزیز دیوان‌ها گرچه گامی در جهت استقلال اقتصادی و نظام پولی حکومت اسلامی بود، می‌توان آن را به برجسته سازی استمرار سیاست عربی‌گرایی حکام اموی نیز تعبیر نمود، چنان‌که حسان حلاق نویسنده عرب می‌نویسد: «ترجمه دیوان‌ها به عربی گامی بود برای تحقق و تکمیل عربی سازی حکومت و بدین ترتیب حکومت کاملاً رنگ عربی به خود گرفت». (حلاق حسن، *دراسات فی تاریخ الحضارة الاسلامية*، ص

(۴۷ و ۳۵)

۳. ویر، *اقتصاد و جامعه*، ص ۳۳۷.

۴. دینوری، *أخبار الطوال*، ص ۲۹۳؛ ابن‌اثیر، *الكامل فی التاریخ*، ج ۷، ص ۱۵۵؛ طبری، *تاریخ الرسل والملوک*، ج ۷، ص ۱۶۵ - ۱۶۳.

آغاز فتوح، اشراف و دهقانان ایرانی توانستند با قبول اسلام نفوذ و سیطره خود را حفظ کنند.^۱ اما این طبقه در مقایسه با شمار چشمگیر بومیان غیرمسلمان بسیار اندک بودند و نمی‌توان آنان را در توازن با امیران و خلفای قرار داد که با رفتار سوء خود دشمنی و تدبیر موالی را علیه حکومت موجب شدند.^۲ موالی، مخالفت با بنی امیه را در دو شاخه متفاوتِ فعالیتهای سیاسی و ادبی^۳ آغاز کردند و پس از مدتی با پیوستن به هر جریان مخالف حاکمیت، عزم خود را برای پایان دادن به برتری جویی‌های اعراب آشکار نمودند. به این ترتیب تعصب‌های نژادی امویان علاوه بر موانع جدی در استفاده از دستاوردهای ملل مغلوب، پیامد مهم‌تری نیز در بر داشت و آن شورش‌های پی در پی مردم نواحی فتح شده بود؛ شورش‌هایی که جدا از آنکه سبب تحلیل توان نظامی و سیاسی بنی امیه گردید، در نهایت به همراهی گسترده موالی با عباسیان منجر شد.

نارضایتی موالی و کشتار علویان زمینه گسترش اندیشه جدایی ایرانیان و بهره‌گیری رقبای بنی امیه از آنها گردید. مخالفت احزاب سیاسی و مذهبی با امویان نه تنها بخشی از توان نظامی و سیاسی خلافت را به خود مشغول کرد و خلفای اموی به جای پرداختن به امور حکومتی، هم خود را صرف مبارزه با آنها کردند؛ بلکه علاوه بر این، نظم و امنیت اجتماعی که تأثیر پایداری در توسعه بوروکراسی داشت، از جامعه رخت بربست.

۴. نظام مالی

وبر معتقد بود که هر یک از انواع اقتدار برای اعمال قدرت از ابزار اقتصادی استفاده نمی‌کند، از طرفی سیادت(سلطه)، در هر موردی قدرت اقتصادی را برای بنیان و تداوم خود لازم می‌داند. از این رو بخشی از تحلیل وی از نظام سیاسی اقتدار سنتی، اختصاص به روابط نظم اقتصادی جامعه و حکومت پاتریمونیال دارد. در واقع حکومت پاتریمونیال برای آنکه بتواند بر قوای گریز از مرکز برتری خود را به دست آورد، در صدد است که اصناف و حکومت‌های محلی در برابر فرامین سیاسی و مالی وی تابع باشند.^۵ بنابراین نظام اقتصادی و تشکیلات مالی از پیش شرط‌های گسترش سازمان اداری و

۱. همان، ج، ۴، ص ۶ - ۵؛ فلوقن، تاریخ شیعه و علل سقوط بنی امیه، ص ۴۲.

۲. نقل است زمانی معاویه بن ابوسفیان به جهت فراوانی شمار موالی و ترس از نفوذ و تسلط ایشان بر عرب در صدد کشتن آنها برآمد، سمره بن چُنْد نیز در این امر با خلیفه همفکر بود، اما احنف بن قیس، معاویه را از این کار منصرف کرد. (ابن عذریه، العقد الفرید، ج، ۳، ص ۴۱۵)

۳. برای اطلاع بیشتر بنگرید به: ممتحن، تهضیت شعوبیه.

۴. یعقوبی، التاریخ، ج، ۲، ص ۲۹۷، ۳۰۸.

۵. اشرف، جامعه‌شناسی ماکس ویر، ص ۸۸.

حیطه اقتدار حاکم نظام پاتریمونیالیسم است و با توسعه و روند نظام اداری رابطه بنیادی دارد. تکامل سیاست اقتصادی پیش شرط نظام و تشکیلات اداری مدرن است؛ زیرا پرداخت حقوق (دستمزد)، کارمندان به صورت نقدی است و این نوع پرداخت برای رفتار و سلوک دیوانسالارانه اهمیت بسزایی دارد.^۱ نمونه این امر را می‌توان از همان آغاز حکومت معاویه ملاحظه کرد. با تکیه معاویه بر اریکه قدرت، او تنها به درآمد شام اکتفا نکرد و طبق دستور او والیان ملزم شدند که سهمی به خزانه دمشق ارسال نمایند.^۲ همچنین اهمیت اقتصادی و منابع مالی عراق بود که جدای از مسائل سیاسی، در کوشش عبدالملک بن مروان (۸۵ - ۶۵ق) برای تصرف این منطقه تأثیرگذار بود.^۳

اما با این حال بایستی به این نکته توجه داشت که درگیری‌های داخلی، قیام و شورش‌های پی در پی تشکل‌های مذهبی و اجتماعی چون خوارج و موالي غیرعرب، مشکلات سیاسی و نظامی زیادی برای امویان به وجود آورد. چنان‌که حکومت اموی با بحران اقتصادی مواجه گردید. در نهایت نیز وجود مشکلات اقتصادی و ضعف بنیه مالی از عواملی بود که تلاش خلفای اموی را برای تکمیل و استمرار دیوانسالاری گسترش و تمثیرکر با شکست مواجه کرد.

نظام اداری و تشکیلات دیوانسالاری عباسیان

عباسیان وارثان حکومت اموی، شاخه‌ای از قبیله قریش بودند که توانستند با عنوان جانشینان بر حق پیامبر بر اریکه قدرت تکیه زنند. نقش رهبری خلفای عباسی، شناخت نسبی آنها از چگونگی ارتباط با داعیان، انسجام درونی و مشارکت جمعی خاندان عباسی، درگیری‌های داخلی امویان، نبود تمرکز اداری و سیاسی قدرتمند، اهمیت جغرافیایی خراسان، مشارکت خاندان‌های عرب طرفدار عباسیان، حمایت گروه‌های غیرعرب که به واسطه سیاست عرب‌گرایی اموی به خدمت عباسیان درآمده بودند، تبلیغات مذهبی علیه امویان و همسویی با علویان از جمله تلاش‌های عباسیان^۴ بود که آنها را در

۱. ویر، اقتصاد و جامعه، ص ۳۰۷ - ۳۰۸.

۲. دنت، مالیات سرانه و تأثیر آن در گرایش به اسلام، ص ۶۵

۳. ابن اثیر، *الکامل نبی التاریخ*، ج ۴، ص ۴۲۳؛ عبدالله بن زبیر از بیعت با یزید خودداری کرد و خود هوای حکومت داشت. با مرگ یزید بن معاویه (خلافت ۶۴ - ۶۰ق) از آشتگی اوضاع و خلاً قدرت استفاده نمود و در حجاز ادعای خلافت کرد. وی والیانی به نواحی مختلف فرستاد و توانست با شکست مختارتفی به سال ۶۷ق عراق را تصرف کند. ابن زبیر برادرش مصعب را به منظور دعوت مردم به خلافت خود و گرفتن بیعت از ایشان به آن ناجیه فرستاد. سرانجام شورش ابن زبیر بامحاصره حجاز وکشته شدنش به سال ۷۲ق خاتمه یافت. (طبری، *تاریخ الرسل والملوک*، ج ۶ - ۵، ذیل حادث سال‌های ۶۳ تا ۷۲ق)

۴. عباسیان با ادعای خونخواهی از علویان (واقعه کربلا، قیام زید بن علی و یحیی)، پرجم سیاه را انتخاب کردند. همچنین استفاده از شعار «الرضا من آل محمد» یکی دیگر از اقدامات عباسیان برای همسویی با علویان بود.

رسیدن به اهدافشان باری داد. گستردگی قلمرو، وجود سازمان اداری، استخدام کارگزاران اداری خارج از خاندان حاکم زمینه‌ای شد که فعالیت نخست خلفای عباسی که خصیصه پدرسالاری داشت، با تشکیل حکومت و تکیه خلفای عباسی بر قدرت سبب تحول سلطه اقتدار سنتی به نظام پاتریمونیال گردید.^۱

نظام سیاسی پاتریمونیال صورتی از حاکمیت سیاسی سنتی است که در آن خاندان پادشاهی، برای اداره گستردگی قلمرو خود قدرت جبارانه را از طریق دستگاه دیوانی اعمال می‌کند. در اندیشه سیاسی و بر، سلطه سنتی پاتریمونیال حاکمیت، ساختاری مبتنی بر تشکیلات اداری، و نظامی است که گرایش‌های متعدد دارد؛ از جمله به لحاظ ساختاری می‌توان به حاکمیت پاتریمونیال - بوروکراتیک اشاره کرد. در نظام پاتریمونیال - بوروکراتیک دو مفهوم متضاد پاتریمونیال به عنوان نظام سنتی، شخصی و گرایش خودکامه فرمانروا از سویی و سیاست عقلانی غیرشخصی از سوی دیگر وجود دارد. نظام پاتریمونیال - بوروکراتیک در واقع به دیوانسالاری سنتی در سیاست پاتریمونیال اشاره دارد که دارای مشخصه‌های ظاهری بوروکراتیک است. اما سلطه پاتریمونیال - بوروکراتیک با نظام عقلانی - قانونی و غیرشخصی که مبتنی بر قوانین اداری بوروکراتیک است، تفاوت دارد. مفهوم پاتریمونیال - بوروکراتیک و بر، برای آن گونه از نظام‌های پاتریمونیال به کار رفته که در ساختار شخصی و ابتدایی پدرسالاری ریشه داشته، اما با گذر به مرحله ثبات، به تدریج تشکیلات اداری و سیاسی پیچیده و گستردگی شود؛ به طوری که به تشکیلات بوروکراتیک مدرن شباهت می‌یابند. نظام اداری پاتریمونیال - بوروکراتیک به سبب سنت‌گرایی، خودکامگی و استبداد شخص حاکم، خاندانی بودن و ضعف ارتباطات مانند بوروکراسی مدرن نیست، اما ویژگی بوروکراتیک بودن آن را از سایر نظام‌های اقتدار سنتی متمایز می‌کند. طبق نظریه تداوم نظام دیوانسالاری (بوروکراسی) عباسیان وارث نظام اداری امویان بودند که بر حسب شرایط و مقتضیات آن را تغییر و توسعه دادند.

پیشتر اشاره شد زمانی که اقتدار سنتی به نظام سیاسی پاتریمونیال تحول می‌یابد، عوامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مالی از عوامل تأثیرگذار در تکامل و تداوم دیوانسالاری است. اقتدار سیاسی و قدرت خلیفه عباسی از عواملی بود که متولیان پست‌ها و مناصب مهم سیاسی را

۱. یعقوبی، *التاریخ*، ج ۱، ص ۱۷۷؛ مسعودی، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، ص ۹۱ - ۹۰؛ کریستین سن، *ایران در*

زمان ساسانیان، ص ۱۳۹ - ۱۳۸؛ برای آگاهی بیشتر از نقش و تأثیر ایرانیان در حکومت عباسی بنگرید به:

«نقش دییران ایرانی در تحول نظام اداری خلافت عباسی»، فرهمندپور و فرخنده زاده، *مطالعات تاریخ اسلام*،

بهار ۹۳، سال ۶ ش ۲۰.

۲. ترنر، *ویر و اسلام*، ص ۱۵۶

کنترل می‌کرد. برکناری و قتل داعیان، وزرا و صاحب منصبان سیاسی، اداری و نظامی در عصر اول عباسی حکایت از استبداد، خودکامگی و قدرت خلیفه دارد. علاوه بر این شبکه روابط اجتماعی^۱ در خلافت عباسی که عضویت در آن به روی افراد بیگانه باز بود، زمینه تحولات و دگرگونی‌های سازمان اداری را فراهم کرد. مشارکت عناصر غیرعرب در اداره حکومت به‌ویژه ایرانیان که از بازماندگان طبقه دیبران و حامل سنت‌های ساسانی بودند،^۲ تغییراتی در نظام اداری و سیاسی خلافت^۳ به وجود آورد و چنان که پیش‌تر گفته شد، مهم‌ترین آنها انتقال تمدن ایران به حکومت‌های عرب اموی و عباسی بود.^۴ در این دوره علاوه بر ابقاء، تکمیل و توسعه دیوان‌های دوره قبل، دیوان‌های دیگری نیز بنا به نیاز حکومت و در پی گسترش امور دیوانی و اداری تأسیس گردید. پیچیدگی امور اداری سبب شد که بر حسب نیازهای جدید مشاغل جدیدی به وجود آید؛ چنان‌که با گسترش وظایف دیبری منصب وزارت^۵ پدید آمد. تداوم نظام دیوانسالاری ساسانی و استخدام کارمندان اداری از وزراء دیبران، منشیان و پیداش دواوینی همانند «توقيع»،^۶ «خاتم»^۷ و «برید»^۸ متغیر دیگری بود که در کنار قدرت سیاسی خلیفه تکامل انسجام نظام پاتریمونیال - بوروکراتیک خلافت را به وجود آورد؛ زیرا طبق دیدگاه ویر سلطه برای اجرای فرامین به کارکنان اداری نیاز دارد و تشکیلات اداری نیز به سلطه‌ای نیاز دارد که قدرت فرماندهی بر کارکنان اداری را به افراد محول کند.^۹

استبداد خلیفه عباسی که مبتنی بر نظرارت شدید بر ساختار سیاسی و سازمان اداری بود، سیاست

۱. روابط اجتماعی عبارت است از عمل متقابل افراد که دارای معنا و مفهومی برای عاملین این روابط است. روابط اجتماعی از نظر ویر یا شبکه باز است یا شبکه روابط بسته و عامل قدرت در روابط اجتماعی اهمیت دارد.

(اشرف، *جامعه‌شناسی ماقس ویر*، ص ۶۴ - ۶۳)

۲. آربی، *میراث ایران*، ص ۵۸ - ۵۷.

۳. فرای، *عصر زرین فرهنگ ایران*، ص ۱۶.

۴. ابن خلدون، *مقدمه*، ج ۱، ص ۳۲۸ و ۳۳۱.

۵. به اعتقاد کریستین سن منصب وزارتی که خلفای عباسی ایجاد کردند و در تمام حکومت‌های اسلامی رایج شد، تقليدی مستقیم از منصب «وزرگ فرمذار» ساسانیان بود. (ایران در زمان ساسانیان، ص ۱۳۹)

۶. ایرانیان به فن بلاغت توجه بسیار داشتند و توقيعات از جمله ادبیات ایرانیان قبل از اسلام بود و در این زمینه آثار مهم و قابل توجه‌ای تألیف نمودند. (امین، *پرتو/سلام*، ج ۲، ص ۲۲۳ - ۲۲۲)

۷. ابن قادمه، *الخراج و صنعته الكتابة*، ص ۵۵.

۸. ایرانیان باستان (هخامنشیان) برای ارتباط سریع و آسان با تمام مراکز اداری چاپار را ایجاد کرده بودند، (جمعی از خاورشناسان فرانسوی، *تمدن ایرانی*، ص ۳۹ - ۳۸) و تشکیلات چاپارخانه عباسیان با تشکیلات عهد هخامنشی، تفاوتی چندانی نداشت. (کریستین سن، *ایران در زمان ساسانیان*، ص ۱۵۳)

۹. ویر، *اقتصاد و جامعه*، ص ۳۱۸.

شبکه روابط اجتماعی باز - مشارکت عناصر غیرعرب در اداره حکومت - و فعالیتهای علمی و فرهنگی عباسیان در عصر نخست را باعث شد که در واقع زیرمجموعه عوامل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به شمار می‌رود و زمینه رشد فزاینده بوروکراسی (دیوانسالاری) در دوره مورد بحث را موجب شد.

در میان پیششرطهای یاد شده سهمی برای نظام مالی نیز در نظر گرفته شده است، خلفای عباسی نیز با انحصاری کردن حق وصول مالیات^۱ از طریق تشکیلات دیوانی با محوریت دیوان خراج، دواوین مالی دیگر مانند اقطاع و نفقات، انواع درآمد و مالیات را وصول می‌کرد که اداره حکومت هزینه‌های سنگینی را می‌طلبید و اداره مؤثر حکومت و تأمین هزینه‌های مالی، نیازمند جریان وسیع مالیات‌گیری و ابانتن خزانه حکومت بود.^۲ از سوی دیگر گردآوری مالیات نیز به وجود حکومتی مقتصد وابسته بود و بدین ترتیب در دوره اول حکومت خلفای عباسی رابطه‌ای دو سویه میان اقتدار حکومت مرکزی و تشکیلات منسجم - اداری مالی برقرار شده بود. توان اقتصادی حکومت به نوبه خود توسعه دیوانسالاری را نیز به دنبال داشت. چنان که وبر در تحلیل روند سلطه اقتدار سنتی، حوزه اقتصادی را دومین گستره و امتداد قدرت حاکم پاتریمونیال دانسته است که با توسعه عطاها و امتیازات در نهایت به رشد تعقل گرایی در امور مالی می‌رسد.^۳

نتیجه

در بررسی سیر ساخت دیوانسالاری و تطور اصول اداری قدرت سیاسی، عوامل اقتصادی، تمدنی و اجتماعی تأثیرگذار است. به ویژه ساختار سیاسی حکومت و نظام اداری بر مبنای دیدگاه وبر رابطه علی و تأثیر متقابل دارند. البته تأثیرات اصول و مبانی زیرساختهای اداری سیال بوده و با یکدیگر

۱. با تشکیل خلافت عباسی سفاح دیوان کل در مرکز خلافت ایجاد کرد و شعبه‌هایی در ایالات دایر نمود و خالد برمکی را در رأس امور مالی قرار داد. (جهشیاری، وزراء و الكتاب، ص ۸۹) با این عمل نظام مالی از نظارت مستقیم خلیفه بیرون آمد و به دست وزیران افتاد، اما منصور در آغاز حکومت خطبه‌ای ایجاد کرده است که دیدگاه خلیفه و جانشینان او را در مورد سیاست مالی نشان می‌دهد. او خلیفه را سایه خدا در زمین و صاحب اختیار بیت المال مسلمانان معرفی کرده است: «ای مردم من پادشاه خداوند بر زمین هستم در سایه توفیق او، شما را اداره می‌کنم، من خزانه دار اموال اویم و به مشیت وی عمل می‌کنم؛ به خواست او اموال را تقسیم می‌کنم و می‌بخشم. خداوند قفل اموال را به من داده است، هر زمان خواست او باشد، برای دادن عطاها و تقسیم اموال دست بگشاید، مرا باز می‌کند و هر زمان اراده کند که مرا قفل کند، پس چنین می‌کند...». (طبری، تاریخ الرسل والملوک، ج ۸، ص ۸۹)

۲. از آنجا که مبنای حکومت عباسی نظامی بود، بنابراین این خلفاً علاوه بر هزینه‌های اداره قلمرو پهناور خود ملزم به پرداخت مستمری سربازان سپاه و نیز تأمین هزینه‌های لشکرکشی‌های نظامی بودند.

۳. بندیکس، سیمای فکری مکس وبر، ص ۳۶۳؛ ترنر، وبر و اسلام، ص ۱۵۵

متداخل است. هنگامی که امویان حکومت خود را تشکیل دادند، به جهت گسترش قلمرو و نیاز حکومت برای اداره مملکت، خلیفه نیازمند آن شد که افرادی بیرون از خاندان خود را به خدمت گیرد. به این ترتیب اقتدار سنتی پدرسالاری امویان با استخدام عناصر غیرعرب و بهره‌گیری از تشکیلات اداری به نظام سیاسی پاتریمونیال تحول یافت، اما تکامل تشکیلات دیوانسالاری دودمان اموی با مواضع همراه شد. قدرت سیاسی، امنیت اجتماعی، دگرگونی‌های تمدنی و رفاه اقتصادی که در استمرار بوروکراسی از عوامل تأثیرگذار است، به سبب آشفتگی‌های داخلی، کشمکش سیاسی، اختلافات مذهبی و نابرابری اجتماعی که ضعف متابع مالی حکومت را هم به دنبال داشت، تکامل و تداوم نظام بوروکراسی متمرکز در خلافت امویان را ناکام گذارد.

در مقام مقایسه خلفای عباسی بعد از تلاشی مستمر با ایجاد شبکه‌ای منظم از داعیان و تبلیغات گسترده درنهایت توانستند قدرت را به دست گیرند. در عصر اول عباسی به سبب استبداد و خودکامگی خلیفه، انحصار طلبی، استخدام عناصر غیرعرب در اداره مملکت، گسترش دیوانسالاری، به خدمت گرفتن نیروهای نظامی با خاستگاه غلامی - که ابزار قدرت خلیفه بود - حکومت پاتریمونیالیسم عباسی مشخصه نظام پاتریمونیال - بوروکراتیک گرفت. قدرت سیاسی خلافت، گسترش و پیچیدگی امور اداری، توسعه دیوان‌های اداری و مالی، ایجاد مناصب دیوانی مانند وزارت، تنظیم وظایف بر حسب سلسله مراتب اداری، تقسیم مسئولیت‌ها و تعقل‌گرایی، گسترش وظایف دبیری و نقش مؤثر امور مالی تکامل و تداوم تشکیلات بوروکراسی - که از ابزارهای اقتدار سیاسی خلافت بودند - را به دنبال داشت.

منابع و مأخذ

۱. آربری، آرتور، *میراث ایران*، ترجمه احمد بیرشک، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸.
۲. ابن اثیر، ابوالحسن علی، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۵ م.
۳. ابن حوقل، محمد، *مسالک الممالک*، بیروت، دار صادر، ۱۹۳۸ م.
۴. ابن خلدون، محمد بن عبدالرحمان، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، ینگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲.
۵. ابن طقطقی، محمد بن علی طباطبا، *الفخری فی آداب السلطانیه و الدول الاسلامیه*، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۴۱۴ ق.
۶. ابن عبدربه، احمد، *العقد الفريد*، بیروت، دارالكتب العلمی، ۱۴۱۱ م.
۷. ابن ندیم، محمد، *الفهرست*، تهران، انتشارات ابن سینا، بی‌نا.

۸. اجتهادی، ابوالقاسم، بررسی وضع مالی و مالیه مسلمین از آغاز تا پایان دوره امویان، تهران، سروش، ۱۳۶۳.
۹. اشرف، احمد، جامعه‌شناسی ماقس ویر، تهران، نشر هومن، ۱۳۵۷.
۱۰. اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، مسالک الممالک، تهران، انتشارات کتابخانه صدر، بی‌تا.
۱۱. امین، احمد، پرتو اسلام، ترجمه عباس خلیلی، تهران، کتابخانه مجلس، ۱۳۱۵.
۱۲. بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۲ م.
۱۳. بنديکس، رینهارد، سیمای فکری ماقس ویر، ترجمه محمود رامبد، تهران، انتشارات هرمس، ۱۳۸۲.
۱۴. پتروشفسکی، ایلیا، اسلام در ایران، ترجمه کریم کشاورز، تهران، پیام، ۱۳۵۱.
۱۵. ترنر، برایان - اس، ویر و اسلام، ترجمه حسین بستان و دیگران، قم، انتشارات حوزه و پژوهشگاه، ۱۳۸۸.
۱۶. جمعی از خاورشناسان فرانسوی، تمدن ایرانی، ترجمه عیسی بهنام، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶.
۱۷. جهشیاری، ابوعبدالله محمد بن عبدالوس، الوزراء و الكتاب، تحقيق مصطفی السقا، ابراهیم الآیاری و عبدالحفیظ شلی، قاهره: مطبعه البابی الحلبي و اولاده، ۱۳۵۷ ق / ۱۹۳۸ م.
۱۸. حسن، حسین الحاج، حضارة العرب في العصر الاموي، بیروت، مؤسسه الجامعیه للدراسات والنشر، ۱۹۹۴ م.
۱۹. حلاق، حسن، دراسات في تاريخ الحضارة الاسلامية، بیروت، دارالنهضة العربية، ۱۴۱۹ ق.
۲۰. دنت، دانیل، مالیات سرانه و تأثیر آن در گرایش به اسلام، ترجمه محمدعلی موحد، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۴.
۲۱. دینوری، ابوحنیفه، أخبار الطواف، قاهره، منشورات الرضی، ۱۹۶۰ م.
۲۲. سپهری، محمد، تمدن اسلامی در عصر امویان، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۹.
۲۳. سیدیو، لوئیز، تاریخ العرب العام، ترجمه عادل زعیتر، بی‌جا، مطبعه عیسی البابی حلی، ۱۹۶۹ م.
۲۴. صبوری، منوچهر، جامعه‌شناسی سازمان‌ها، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۰.
۲۵. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل والملوک، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، التراث العربي، بی‌تا.

۲۶. عمری، ابن فضل الله، *التعريف بالمصطلح الشريف*، بیروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۰۸ق.
۲۷. فرای، ریچارد، عصر زرین فرهنگ ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، سروش، ۱۳۵۸.
۲۸. فرهمندپور، فهیمه و محبوبه فرخنده زاده، «نقش دییران ایرانی در تحول نظام اداری خلافت عباسی»، *مطالعات تاریخ اسلام*، بهار ۱۳۹۳، سال ۶، ش. ۲۰.
۲۹. فلوتن، فان، *تاریخ شیعه و علل سقوط بنی امية*، ترجمه مرتضی حائری، تهران، اقبال، ۱۳۵۲.
۳۰. قدامه بن جعفر، ابوالفرج، *الخرجاج و صنعته* الكتابه، ترجمه حسین خدیو جم، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳.
۳۱. کریستین سن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران، انتشارات زرین، ۱۳۸۷.
۳۲. ماوردی، ابوالحسن علی، *أحكام السلطانية و الولايات الدينية*، بیروت، دار الكتب العلمية، بی تا.
۳۳. مسعودی، ابوالحسن علی، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، تصحیح شارل پلا، قم، انتشارات الشیف الرضی، ۱۴۱۲ق.
۳۴. مکی، محمد کاظم، *تمدن اسلامی در عصر عباسیان*، تهران، سمت، ۱۳۸۳.
۳۵. ممتحن، حسینعلی، *نهضت شعوبیه*، تهران، بی نا، ۱۳۵۴.
۳۶. وبر، ماکس، *اقتصاد و جامعه*، ترجمه عباس منوچهري و دیگران، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۴.
۳۷. ولهاوزن، یولیوس، *تاریخ الدوّلة العرّبیة*، باریس، داریلیون، ۱۳۷۷.
۳۸. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب واضح، *التاریخ*، بیروت، دار صادر، ۱۳۷۹ق / ۱۹۶۰م.

